

## بازتاب انقلاب اسلامی ایران در پاکستان (براساس آموزه‌های نظریه پخش هاگراسترنند)

مرتضی علویان<sup>۱</sup>، احسان رهام<sup>۲</sup>

### چکیده

هر انقلابی تأثیرات کم‌وبیش منطقه‌ای و بین‌المللی دارد و برای ایجاد عمق استراتژیک خود، پیامی را عرضه می‌کند. انقلاب ایران نیز دارای این ویژگی بوده و احیاگر تفکر اسلام و اسلام سیاسی بعنوان یکی از رخدادهای مهم در قرن بیستم تلقی می‌شود. هدف از نگارش این مقاله علت‌یابی بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در جمهوری اسلامی پاکستان براساس نظریه پخش و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات است. بنابراین در این مقاله سعی گردیده است با کاربست نظریه پخش هاگراسترنند به این سوال پاسخ داده شود، چرا بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اسلامی پاکستان محدود بوده است؟ فرضیه مطرح شده این است که دلیل مشکلاتی از جمله وجود دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب و قدرت‌یابی نظامیان در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و پاکستان مانع گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب شده است. یافته‌های برآمده از مقاله حاضر، این است که با توجه به مشکلاتی که در ابتدای انقلاب اسلامی در دو کشور وجود داشته، جمهوری اسلامی به تدریج سیاست صدور انقلاب به پاکستان را کنار گذاشته و به سمت گسترش روابط اقتصادی با این کشور رفته است.

واژگان کلیدی: انقلاب ایران، نظریه پخش، بازتاب انقلاب، پاکستان

<sup>۱</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در زمره یکی از بزرگترین رخداد‌های قرن بیستم است که علاوه بر تغییرات بنیادین در نظام سیاسی و جامعه ایران، در فراسوی مرزها نیز حرکت کرد و الهام‌بخش مسلمانان در کشورهای مختلف شد (کامران و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۱). انقلاب اسلامی در عصری با نیروی محرکه و تحول‌زای ارزش‌های دینی به پیروزی رسید که آن را عصر پایان دین و باوره‌های دینی می‌نامیدند و دین را به جوامع ابتدایی بشر نسبت می‌دادند. با انقلاب اسلامی ایران دین بعنوان عنصری تعیین‌کننده در حوزه عمومی زندگی انسان از جمله جامعه و سیاست تبدیل شد و جنبه‌های معنوی و ربانی وارد زندگی روزمره، اجتماعی و سیاسی شد. اسلام توانست هم از جنبه نظری و هم از بعد عملی عینیت یابد و ظهور و تجلی و مصداق بیرونی و خارجی پیدا کند (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۴۱).

ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگر به شدت برای مسلمان سایر کشورها بویژه کشورهای همسایه جذاب بود. وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شد که ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی و احزاب و جنبش‌های مردمی مسلمان گردد و باعث مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی در مسلمانان شود و در سایه اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبات، سازمان‌های انقلابی و طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش، جابجایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به وجود آورد (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۷).

باتوجه به نگاه به همسایگان که از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته، یکی از مناطق اسلامی که انقلاب ایران در آنجا نمود داشت کشور همسایه و اسلامی پاکستان بود. اشتراکات فرهنگی ایران و پاکستان فقط به مرز مشترک و قومیت مشترک بلوچی خلاصه نگردیده، بلکه اشتراکاتی به پیشینه تاریخ پرافتخار دو کشور باعث نزدیکی دو ملت مسلمان ایران و پاکستان گردیده است. پاکستان تنها کشوری است که سرود ملی آن به زبان فارسی سروده شده درحالیکه مردم این کشور فارس زبان نیستند. بیش از ۹۶ درصد واژگان سرود ملی پاکستان به زبان فارسی است (پاک سرزمین شاد باد ... کشور حصین شاد باد).

واشینگتن پست، بزرگترین و در گردش‌ترین روزنامه در ایالات متحده در یادداشتی به این موضوع پرداخته و اشاره داشته که، پاکستان، ایرانی‌ترین همسایه ایران است، چراکه مردم پاکستان با آماری بالغ بر ۷۶ درصد و بیش از سایر کشورهای دنیا به ایران دارای علاقمندی و دارای قرابت و اشتراکات فرهنگی‌اند. از دوران باستان، رودخانه سند مرز ایران و هند بوده و بنابراین، اکثریت مردم پاکستان، ایرانی‌الصل هستند، از نظر دینی حدود ۹۷ درصد پاکستانی‌ها مسلمان بوده و این کشور پس از اندونزی دومین تعداد مسلمان در جهان را داشته که اکثریت آنها سنی مذهب هستند (حدود ۹۰ درصد) درحالیکه شیعیان بین ۵-۷ درصد جامعه هستند. جمعیت کوچکتر مسلمانان در پاکستان شامل قرآنیان بوده، که مسلمانانی غیرقومی هستند، همچنین

دو اعتقاد مهدوی باور وجود داشته که براساس بررسی‌های صورت گرفته، یکی از آنها مهدویه و دومی احمدیه می‌باشند، همچنین براساس قانون اساسی پاکستان غیرمسلمانان ۱ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در میان مسلمانان این کشور شیعه در اقلیت است. احیای اسلام در غرب آسیا در طول چهار دهه گذشته و بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تحول یافته است؛ این افزایش نفوذ اسلام را طیفی از عوامل بومی و همجواری منطقه‌ای تسهیل کرده است؛ عواملی چون نارضایتی از راه‌حل‌های غیرمذهبی غربی برای مشکلات اجتماعی و سیاسی، امتناع از آنچه جنبه‌های نامطلوب نظام‌های ارزشی مدرن غرب تلقی می‌شود؛ احساس هرچه بیشتر غرور و هویت در میان مسلمانان که بااهمیت یافتن بیش‌ازپیش دنیای اسلام در امور اقتصادی و سیاسی جهان زمینه مساعدی یافت و بسط تلاش گروه‌ها و حکومت‌های مسلمان خارجی برای گسترش ایمان مذهبی، احیای اسلام به طرق متنوعی در پاکستان متجلی شده؛ از نشانه‌های آشکار آن می‌توان به مواردی نظیر، حجاب بسیاری از زنان (غالب بانوان مسلمان پاکستانی از حجابی سنتی، اسلامی برخوردارند)؛ توجه هرچه بیشتر عموم مردم و نخبگان سیاسی به نماز، روزه و سایر عبادات اسلامی؛ برنامه‌های مذهبی در تلویزیون؛ استناد به اسلام در سخنرانی‌های سیاستمداران و مشارکت بیشتر آنان در سازمان‌های اسلامی بین‌المللی است (اسپوزیتو، ۱۳۹۷: ۲۷۷). انقلاب ایران باوجود اینکه بیشترین تأثیر بر جنبش‌های شیعی منطقه خاورمیانه گذاشت اما در کشورهای همسایه و بطورخاص در ۵۵ کشور پاکستان بعد از گذشت چند دهه از انقلاب ایران، شاهد تأثیرپذیری شگرفی از مردم و احزاب این کشور از انقلاب ایران نبوده‌ایم. بنابراین در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال علت‌یابی، علل و عناصر این عدم تأثیرپذیری بوده‌ایم. درنهایت باتوجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارنده این مقاله، وجود مشکلاتی در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و پاکستان، علت اصلی عدم گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب در این کشور همسایه و مسلمان شناسایی گردید.

## ۱- پیشینه پژوهش

- اسموک (۲۰۱۵ میلادی) در پژوهشی تحت عنوان (اعمال اصول اسلامی در قرن بیست و یکم نیجریه، ایران و اندونزی) بنحوه تطبیق و توضیح مسائل مهم معاصر از جمله عدالت، حقوق بشر، حاکمیت قانون، تکثرگرایی و دموکراسی با شریعت اسلام، توسط اندیشمندان مسلمان در سه کشور نیجریه، ایران و اندونزی پرداخته است.

- محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان (بازتاب انقلاب اسلامی بر جهان اسلام) بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب ایران، به بررسی همه‌جانبه از بازتاب انقلاب اسلامی پرداخته و عنوان می‌کند که انقلاب ایران

بر دولت کشورهای اسلامی عموماً بازتاب منفی داشته و آنها را از تغییر وضعیت موجود نگران کرده است و لذا سعی در کنترل و برخورد با امواج انقلاب کرده‌اند.

- مرتضوی امامی زواره و جمالی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان (ایران و اندونزی: شباهت‌ها، تفاوت‌ها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی) با بیان اینکه ایران و اندونزی بحران‌ها را پشت سر گذاشته و در برخی موارد دارای شباهت‌هایی می‌باشند که در قبال یکسری جریان‌های خاص در هر یک از این دو کشور شکل گرفته، به ذکر اهم این موارد از قبیل تئوری توطئه، مشکلات اقتصادی، سیاست‌های قومی، بحران دوران گذار، ناهمگونی قومی و فرهنگی و نقش جامعه بین‌المللی و غرب پرداختند. در این تحقیق علاوه بر این شباهت‌ها، به برخی تفاوت‌ها بین دو کشور مانند تفاوت‌های قومی، فرهنگی، زبانی و نژادی، هویتی و ...، نیز اشاره شده است. برخلاف پژوهش‌هایی که در بالا به آن اشاره گردید، نگارنده مقاله پیشرو، به بررسی علل و عواملی که مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور اسلامی پاکستان است، پرداخته است.

## ۲- چارچوب نظری؛ نظریه پخش هاگراسترنند

تئوری پخش توسط تورستن هاگراسترنند جغرافیدان سوئدی ابتدا در سال ۱۹۵۳ میلادی مطرح شد و سپس در سال ۱۹۸۶ میلادی در کتاب (انتشار فضایی فرآیند نوآوری) اصول تازه آن را مطرح گردانید و سپس آن را بسط داد (ابراهیم‌زاده و بذرافشان، ۱۳۹۶: ۵۹).

هاگراسترنند ابتدا با همکاران خود، «نظریه پخش» را در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی بکار گرفت و سپس این نظریه در نحوه گسترش بیماری سل گاوی هم در سال‌های مختلف به تجربیات پرارزشی دست یافت؛ که نهایتاً این نظریه تا سال ۱۹۶۸ میلادی به اصول تازه و استواری نائل آمد. اثر تحقیق هاگراسترنند در کشورهای انگلیسی‌زبان و بویژه ایالات متحده طرفداران بی‌شماری یافت و شیوه عملی آن در جغرافیای کاربردی بکار گرفته شد (شکوهی، ۱۳۹۶: ۳۰۲). اصول و قواعدی که هاگراسترنند در نظریه خود بیان کرد، قادر به بیان علت پخش خیلی از موضوعات و رخدادهاست.

پخش عبارت است از فرآیندی که برطبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جزء آن) که مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۹۴: ۴۲). این نظریه در واقع به تبیین و تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری در طول زمان و در گستره یک فضای جغرافیایی می‌پردازد تا از این طریق، علل و دلایل پخش و گسترش یک رویداد یا پدیده را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف کند. این نظریه در بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی چون گسترش محبوبیت یک نماینده انتخاباتی در بین مردم، چگونگی پخش انواع مد لباس و

رفتار در مکان‌های شهری و روستایی، دلایل گسترش یک نوع موسیقی و ترانه در بین مردم، پخش بیماری‌های واگیر در بین چندین کشور و گسترش استفاده از تلویزیون رنگی (حسینی و برزگر، ۱۳۹۷: ۱۷۴). در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. هاگراسترنند انواع پخش را اینگونه بیان می‌کند:

**الف) پخش جابجایی:** پخش جابجایی زمانی که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، بطور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی و با پخش جابجایی، اشاعه یافته‌اند.

**ب) پخش سلسله مراتبی:** در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شوند و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر، یا از یک مرکز مهم شهری به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد (خواجه سروری و رحمنی، ۱۳۹۵: ۳۴).

**ج) پخش سرایتی یا واگیردار:** این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی قرار دارد. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری، چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرآیند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد (برزگر، ۱۳۹۴: ۴۵). همچنین، هاگراسترنند از شش اصل بعنوان اصول و مولفه‌های اساسی این نظریه نام می‌برد:

- ۱- حوزه و محیط اولیه پدیده؛ این محیط می‌تواند محیط همگرا یا واگرا باشد.
- ۲- زمان پخش؛ زمان عاملی است که می‌تواند بصورت مداوم یا به حالت دوره‌های جدا از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود.
- ۳- موضوع یا پدیده پخش؛ موضوع پخش ممکن است بیماری‌های واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و فناورانه نظیر بذرها، اصلاح شده یا تلویزیون، رایانه، اینترنت و ماهواره باشد.
- ۴- مبدأ پخش؛ مکان‌هایی است که بعنوان خاستگاه یک نوآوری، صدور پیام یا ارزش‌ها باشد.
- ۵- مقصد پخش؛ مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد.
- ۶- مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد؛ فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط پدیده‌ها است.

هاگراسترنند در تبیین و تحلیل خود از این نظریه معتقد است که با استفاده از این نظریه می‌توان هرگونه فعالیت را در زمان و مکان نشان داد و این نظریه علاوه بر سادگی آن، انعطاف‌پذیر بوده و به راحتی قابل درک است (Hagerstrand, 1986: 1).

نظریه‌پردازان انقلاب مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند؛ زیرا هر انقلابی، حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی نداشته باشد، حداقل براساس نظریه پخش بر روی کشورهای دیگر تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحركات انقلابی در آنها خواهد شد؛ همانگونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی و تحركاتی در برخی از کشورهای منطقه شد ولی بازتاب محدودتری در کشورهای همسایه شرقی خود و بطور خاص در کشور پاکستان داشته است (جمال‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۶). بنابراین باتوجه به مؤلفه‌های اصلی نظریه پخش هاگراسترنند (مبدأ، مقصد، زمان، موضوع و شیوه‌های صدور پخش) و به دلیل مشکلات و موانعی که بر سر این پنج عنصر در کشور ایران (بعنوان مبدأ پخش) و کشور پاکستان (بعنوان مقصد پخش) وجود داشته است که با بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در این کشور روبرو بوده‌ایم.

### ۳- مبدأ پخش

مبدأ پخش مکانی است که خاستگاه نوآوری و صدور پیام‌ها و ارزش‌های جدید است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در این کشور بعنوان مبدأ پخش در بهمن ۱۳۵۷، به دلایل گوناگون دارای تأثیرات و بازتاب‌های گسترده در منطقه بوده است؛ اول، یک انقلاب بزرگ و تمام‌عیار و مطابق با تعاریف انقلاب، در ایران رخ داد. دوم؛ دارای داعیه بین‌المللی و فرامرزی و بشری است و پسوند (اسلامی) انقلاب ایران هم این انتظار را ایجاد می‌کند.

سوم؛ موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران و موقعیت حساس منطقه‌ای آن، سبب می‌شود که هرگونه تغییرات ساختاری در ایران دارای تأثیرات منطقه‌ای نیز باشد (برزگر، ۱۳۹۴: ۳۴). ایران و انقلاب اسلامی با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند (حسینی و برزگر، ۱۳۹۷: ۱۷۷).

از زمان انقلاب ۱۳۵۷ و در نتیجه تغییر در دولت، گفتمان‌های مختلف و رقابت بر سیاست‌های ایران غالب شده‌اند، هرکدام از این گفتمان‌ها دیدگاه متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب داشته‌اند. امام خمینی (ره) رهبر انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر تکلیف بودن ضرورت این امر مهم را در راستای منافع کشور و بهره‌گیری از توان ملت‌ها و بویژه مسلمان‌ها برای تحقق اهداف برون‌مرزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده و بر ابعاد سیاسی و فرهنگی انقلاب در زمینه‌های تبلیغ، آموزش، الگوسازی و انتقال تجربیات انقلابی به دیگر جوامع تأکید کردند (صحیفه امام، ج ۴: ۵۸). اما گذشته از دیدگاه بنیانگذار انقلاب ایران چهار دیدگاه دیگر نیز در چهار دهه اول انقلاب نسبت به صدور انقلاب مطرح بود، این دیدگاه‌ها را می‌توان به شش دوره تقسیم کرد؛

دوره اول را می‌توان (گفتمان عدم‌تعهد ملت‌گرایان لیبرال) (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰) نامید، که با دولت موقت آغاز شد. اولویت نخست این دوره پایان دادن به (اتحاد عملی و چاکرمنشانه رژیم شاه) با آمریکا و استوار ساختن مناسبات دو کشور برپایه برابری بود (رضایی، ۱۳۹۷: ۲۶۷). در این دوره کوتاه، سیاست خارجی برپایه توازن استوار گردید (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۷). سیاست کلی این دوره تمایل به غرب و نگرانی از نفوذ بلوک شرق، عدم دخالت در امور داخلی دیگران و بهبود مناسبات ایران و آمریکا بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

دوره دوم را می‌توان (گفتمان آرمان‌گر و ارزش‌محور) (۱۳۶۸ تا ۱۳۶۰) نامید، با کنار رفتن ملی‌گراها از قدرت آغاز می‌شود. اشغال سفارت ایالات‌متحده، بوته آزمایش سیاست خارجی آرمان‌گرایانه‌ای شد که ایران را در مقابل بیشتر کشورهای جهان قرار داد (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۹). ایران در این سال‌ها تلاش می‌کرد بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود را برهم زده و نظم موردنظر خود را جایگزین آنها نماید. بنابراین، سیاست خارجی جدید ایران مخاطبین خود را، ملت‌ها، قرارداد با این امید که با ایجاد ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد بود به اهدافی همچون صدور انقلاب اسلامی، جهاد در دو بعد فرهنگی و نظامی، استکبارستیزی و بیداری ملل مستضعف، بیداری ملل مسلمان جهان به‌خصوص بیداری ملل حاشیه خلیج فارس دست یابد (ازغندی، ۱۳۹۲: ۱۰۹). در این دوره، الگوی منحصربه‌فرد نه شرقی نه غربی حاکم و از جایگاه بسیار والایی در سیاست خارجی انقلابی برخوردار بود (صدوقی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

۵۹

دوره سوم را می‌توان سیاست خارجی با حاکمیت (گفتمان واقع‌گرا و سازندگی‌محور) (۱۳۷۶ تا ۱۳۶۸) نامید، این دوران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ الجزیره آغاز گردید. در این دوره رهبران سیاسی ایران درصدد بودند تا زمینه لازم جهت همگرایی در نظام بین‌المللی جدید را فراهم آورند. رهبران در این دوره، بر مؤلفه‌هایی مانند دیپلماسی سازنده تأکید داشتند (احتشامی، ۱۳۹۲: ۹۹). از سال ۱۳۶۸ به بعد مجریان سیاست خارجی، در چارچوب واقع‌گرایی نسبی سعی کردند سیاست‌های آرمان‌گرایانه دهه اول را با سیاست‌های کارآمدتری جایگزین کنند. ضرورت عنایت به مسائل اقتصادی و تأمین منافع ملی در بعد اقتصادی موجب شد که ایران برای دستیابی به اعتبار و قدرت، سیاست عمل‌گرای همزیستی با دیگران را دنبال کند (ازغندی، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

با آغاز هفتمین دوره ریاست جمهوری (گفتمان اصلاحات یا فرهنگ‌گرای سیاست‌محور) (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) در کشور حاکم گردید. در واقع دوره چهارم سیاست خارجی شروع شد. در این دوره واقع‌گرایی در سیاست تعدیل اقتصادی و قائل شدن به توسعه صنعتی، جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی پذیرش پلورالیسم به معنی نفی نظام تک‌قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها، به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۹۲: ۱۴).

دوره پنجم سیاست خارجی پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری آغاز گردید (گفتمان اصول‌گرایی عدالت محور). (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲) بر سیاست خارجی حاکم شد. در این دوران ایران در سیاست داخلی و خارجی خود درصدد احیاء ارزش‌ها و آرمان‌های صدور انقلاب برآمد. آنچه گفتمان اصول‌گرایی را از دوره سوم و چهارم سیاست خارجی متمایز می‌کند، اولویت یافتن اهداف ایدئولوژیک و تغییر در نظم جهانی، در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی ایران بود. در این دوران اصول‌گرایان چنین، استدلال می‌کردند که از آنجاکه در دوره پیشین سیاست خارجی، تعادل بین منافع ملی و مصالح، اسلامی برهم خورده است، بنابراین تلاش برای بازیابی توازن، موجب ارتقای اولویت و اهمیت مصالح، ایدئولوژیک معطوف به نظم جهانی در سیاست خارجی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۳۵).

دوره ششم تحت عنوان (گفتمان اعتدال و تنش‌زدایی) (۱۴۰۰ تا ۱۳۹۲) با پیروزی حسن روحانی در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری شروع شد. باتوجه به انگاره‌های واقع‌نگر وی، سیاست خارجی ایران در این دوران به سمت بیطرفی مثبت و فعال خارجی، تأمین مناسبات دوستانه مبتنی بر همکاری‌های دو و چندجانبه با همسایگان و سایر کشورهای علاقه‌مند، رکن مهم و اصلی رویکرد خارجی و دیپلماتیک دولت روحانی بوده است (باقری دولت‌آبادی و شفیعی، ۱۳۹۳: ۳۲۱).

باتوجه به شش دوره‌ای که در بالا به آن اشاره شده، با گذشت زمان از وقوع انقلاب اسلامی رهبران و سیاستمداران ایران، دیگر صدور انقلاب را جزء آن از دسته اهداف اساسی و حیاتی در حوزه سیاست خارجی، اولویت‌بندی نمی‌کردند. حتی شیوه صدور انقلاب نیز باتوجه به کیش شخصیت این رهبران تغییر می‌کرد بطوریکه امام خمینی (ره) الگوی سیاسی و فرهنگی برای جهان بویژه شیعیان خاورمیانه مناسب می‌دانستند، مهدی‌بازرگان نخست‌وزیر وقت تمایل به صدور انقلاب به هیچ کشوری را نداشت و بیشتر اهداف ناسیونالیستی و منافع ملی در سر می‌پروراند، درحالیکه اکبر هاشمی رفسنجانی به دنبال الگوی توسعه اقتصادی بود تا بتواند رکود اقتصادی و خسارت‌های گسترده‌ای وارد شده به زیرساخت‌های کشور که ناشی از جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بود، جبران کرد. باگذشت زمان سیاست‌های اقتصادی جایگزین سیاست صدور انقلاب و احیای جنبش‌های مذهبی در کشورهای مسلمان و بویژه همسایگان مسلمان شد. بنابراین تجارت را بعنوان عنصر اصلی تعریف‌کننده روابط ایران با کشورهای همسایه و مسلمان از جمله جمهوری اسلامی پاکستان شد. تلاش‌های ایران برای اصلاح روابط با کشورهای منطقه، مسلمان و آسیایی با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی وارد مرحله جدیدی شد، بنابراین عصر جدید در روابط ایران و سایر کشورها با به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی در ایران افزایش یافت. اما درخصوص کشور اسلامی پاکستان نقطه عطف روابط فیما بین با نگاهی صدوری-انقلابی و همسایه محور همراه با اتفاقاتی نادر در تاریخ ارتباط دو کشور است، اولین سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان بعد از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۶۴ توسط آیت‌اله خامنه‌ای



رئیس‌جمهوری وقت انجام شد و استقبال بی‌نظیر مردم پاکستان از ایشان، باعث شد تا این سفر به «سفر شگفتی‌ساز» در تاریخ روابط دو کشور دوست و همسایه تبدیل شود، براساس روایت مترجم پاکستانی رئیس‌جمهوری وقت ایران در سال ۱۳۶۴ در جریان سفر ایشان به پاکستان: «محبت، مهربانی و عطوفت در واژه به واژه کلامش و لحظه‌به‌لحظه نگاهش پیدا بود. کلام و رفتارش جذابیت غریبی داشت. وقتی از اقبال لاهوری سخن گفت، فهمیدم که دورنمای سیاسی و فرهنگی پاکستان و شبه‌قاره را خوب می‌شناسد. مردم پاکستان که از جان‌ودل دوستدار ایران هستند، به این سید روحانی عشق می‌ورزند». این جملات، برگرفته از خاطرات محمد اکرم، ادیب و شاعر پیشکسوت و پارسی‌گوی پاکستانی، است که به‌عنوان مترجم رئیس‌جمهوری وقت ایران در سفر دی‌ماه سال ۱۳۶۴ به پاکستان، در تمام مراحل این سفر سه‌روزه، همراه ایشان بود. این سفر که با استقبال بی‌نظیر مردم شهرهای مختلف کشور میزبان، تاریخ‌ساز شد و جهان را به شفتگی واداشت. آنگونه که محمد اکرم در خاطراتش بیان می‌دارد او تنها یکی از میلیون‌ها پاکستانی بود که قلب‌شان برای انقلاب ایران و اسلام انقلابی می‌تپید. اکرم محمد در بیان خاطرات‌اش از سفر سه‌روزه آیت‌اله خامنه‌ای به پاکستان، از استقبال به‌یادماندنی و تاریخی مردم پاکستان بویژه شهر بزرگ لاهور و شهر اسلام‌آباد از ایشان می‌گوید و اینکه مردم پاکستان از چه راه‌های دوری و با چه عشق و علاقه‌ای برای استقبال از ایشان، خود را به لاهور و اسلام‌آباد رسانده بودند (اکرم، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۱).

۶۱

آیت‌اله خامنه‌ای نیز در بخشی از بیانات خود در مردادماه سال ۱۳۷۹، به آن سفر تاریخی اشاره و آن را اینگونه توصیف می‌کند: «من در دوران ریاست جمهوری به پاکستان رفتم. استقبالی که در پاکستان شد، حادثه‌ای عظیم بود. علیرغم اینکه رسانه‌های جهانی می‌خواستند چیزی در اینباره نگویند، مجبور شدند. در همه رسانه‌های جهانی، چند روز اظهار شگفتی از این حادثه عظیم بود. میلیون‌ها انسان در اسلام‌آباد و لاهور و دیگر مناطقی که رفتیم، از ما استقبال کردند» (گزیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل-پنجم مردادماه ۱۳۷۹). ایشان در جایی دیگر، در بیانات‌شان در توصیف سفر سال ۱۳۶۴ به پاکستان می‌گویند: «بنده زمان ریاست جمهوری به پاکستان رفتم؛ آن‌چنان تظاهراتی شد که باوجود اینکه قرار بود ریگان - رئیس‌جمهور آمریکا - بعد از سفر من برود و از پاکستان بازدید کند، دیگر نرفت! دیدند آبروریزی است برای او؛ چون آن وضعی که مردم در استقبال از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به وجود آوردند، اگر او می‌رفت آنگونه نمی‌شد. الان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به هر کشوری از کشورهای منطقه‌ی شرقی - چه اسلامی و چه حتی غیراسلامی - بخواهد برود، وقتی به مردم بگویند، عکس‌العمل آنها شوق‌آمیز، با اظهار علاقه و با اظهار طرفداری است؛ به هرکدام از آنها بگویند رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواهد بیاید، عکس‌ش را آتش می‌زنند و پرچمش را پاره می‌کنند! این‌طوری است. امروز در دنیا، جبهه سیاسی و

جنگ اراده‌ها و عزم‌ها و تدبیرها به این شکل است؛ آرایش این جبهه اینگونه است» (بیانات رهبری در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶).

از آنجاکه این سفر نخستین حضور یک رئیس‌جمهور کشور خارجی بعد از لغو حکومت‌نظامی در پاکستان بود، اهمیت بالایی برای دولت و مردم پاکستان داشت. بر همین اساس رئیس‌جمهور پاکستان، ژنرال ضیاء‌الحق یک روز پیش از ورود آیت‌اله خامنه‌ای و هیأت همراه ایشان به کشورش از این دیدار بعنوان اتفاقی مهم در تاریخ پاکستان یاد کرده و گفته بود: «پاکستان از اینکه به استقبال برادر و دوست، آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی ایران می‌رود بسیار سرفراز است و این سفر تأثیر مهمی در روابط دو کشور خواهد داشت». سفر رسمی آیت‌اله خامنه‌ای و هیأت همراه ایشان به پاکستان، بازتاب وسیعی در رسانه‌های گروهی کشورهای اسلامی و شبکه‌های خبری بین‌المللی داشت بطوریکه خبرگزاری فرانسه این سفر را بسیار بااهمیت خوانده و اعلام کرده بود: «رئیس‌جمهور ایران در اولین مرحله از سفرهای خارجی خود به منظور یک دیدار رسمی سه‌روزه از پاکستان، وارد اسلام‌آباد خواهد شد و قرار است با استقبال تاریخی هزاران مسلمان پاکستان مواجه شود». براساس این گزارش مردم پاکستان با شور و هیجان خاصی خود را برای استقبال بی‌نظیر از رئیس‌جمهور ایران آماده کرده بودند بطوریکه هزاران تن از مردم شهرهای مختلف پاکستان با کاروان‌های متعدد برای استقبال از آیت‌اله خامنه‌ای وارد اسلام‌آباد شده بودند. در این بین علاوه بر اقبال مختلف مردم، روحانیون اهل تسنن و تشیع، ائمه جمعه و جماعت، اتحادیه‌های دانشجویی و مدارس علوم دینی، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف با انتشار بیانیه‌هایی سفر رئیس‌جمهور ایران را به پاکستان گرامی داشته و با نصب شعارنوشته‌ها و پوسترهایی ورود ایشان را خیرمقدم گفته بودند. استقبال بی‌نظیر مردم پاکستان از آیت‌اله خامنه‌ای گذشته از دستاوردهای دیپلماتیک، نشان از نزدیکی و روابط دوستانه میان دو ملت مسلمان داشت. شناساندن انقلاب اسلامی و اصول اساسی و ارزش‌های والای آن، حقانیت جمهوری اسلامی در دفاع مقدس علیه استکبار جهانی، تبیین مواضع جمهوری اسلامی نسبت به مسائل مختلف جهانی، توضیح مسائل داخلی و زدودن شبهه‌ها و تردیدها از اذهان، تشریح انقلاب و دمیدن روح خودباوری و امید در میان مسلمانان و درنهایت حفظ وحدت میان مسلمانان و دوری از تفرقه بین شیعه و سنی بخشی از این راه‌آورها بود (سایت اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌اله خامنه‌ای و سامانه اطلاع‌رسانی سراج).

در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی باتوجه به اینکه مشی سیاست خارجه دولت وی غالباً نگاه به غرب را در دستور کار قرار داده بوده پیشرفت عمده‌ای در رابطه دوجانبه این دو جمهوری اسلامی رخ نداد (Hunter, 2010: 136).

اما فضای روابط ایران با کشور پاکستان، با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد دچار تغییر شد و بصورت معناداری مناسبات میان ایران و این کشور ارتقاء پیدا کرد. مناسبات بین دو کشور با سفر محمود احمدی‌نژاد

و دیدار رئیس‌جمهور دو کشور در آذر ماه ۱۳۹۱، بصورت معناداری گسترش پیدا کرد. سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به پاکستان، راه‌های جدید همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور را هموارتر کرد. پاکستان در مناسبات خود با ایران، بیشتر به دنبال جذب سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران بود. جهش در مبادلات ایران و کشور پاکستان را می‌توان با مطالعه میزان مبادلات اقتصادی و تجاری ایران و این کشور در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲، به خوبی ملاحظه کرد. هرچند این افزایش مراودات پایدار نبوده و پس از دو تا سه سال به حالت قبل برگشت. بنابراین بررسی‌های مناسبات تجاری غیرنفتی ایران و پاکستان نشان از آن داشت که مراودات تجاری و اقتصادی غیرنفتی در دو حوزه صادرات و واردات از الگوی فراز و نشیب پیروی می‌کرده است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵).

با روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ که وعده داده بود به تنش‌ها با جهان پایان می‌دهد و حل موضوع هسته‌ای با توافق برجام، مسیر توسعه روابط ایران و پاکستان نسبت به سال‌های پیش هموارتر شد و لغو تحریم‌های یکجانبه غرب علیه ایران، برخی توسعه‌ها در مناسبات تجاری دو کشور مشاهده شد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم که باز هم نگاه به همسایگان و شرق در دستور کار بوده، سید ابراهیم رئیسی در حاشیه اجلاس سران سازمان شانگ‌های در سمرقند با همتای پاکستانی خود «شهباز شریف» دیدار نموده و طرفین تأکید نمودند: روابط ایران و پاکستان، تعامل معمول دو همسایه نیست، بلکه روابطی عمیق و متکی ۶۳ به نزدیکی‌های فرهنگی و اشتراکات اعتقادی هزاران ساله است، و افزایش دیدارها و رایزنی‌های مقامات دو کشور، تأثیر سازنده‌ای بر گسترش همکاری‌ها و ارتقای سطح روابط دو کشور خواهد داشت.

#### ۴- مقصد بخش

به گواه اسناد تاریخی روابط دو کشور ایران و پاکستان (از دیرباز که این کشور جزئی از هندوستان بوده است) دارای پیشینه‌ای طولانی است. ولی به شکل دولت‌های مدرن امروزی روابط دو کشور بلافاصله پس از استقلال پاکستان از هند در ۱۹۴۷ میلادی برقرار شد و علیرغم نقش متغیرهای مداخله‌ای در قبل و پس از انقلاب، دو کشور هیچ‌گاه وارد تنش جدی با یکدیگر نشده‌اند و همواره در پی تنش‌زدایی و رفع ابهام در روابط فیما بین بوده‌اند. جمهوری اسلامی پاکستان دومین کشور پرجمعیت در حال توسعه و اسلامی پس از اندونزی می‌باشد، پاکستان کشوری قدرتمند از بعد نظامی است، تبیین توانمندی‌های نظامی و تسلیحاتی کشور پاکستان یعنی (قدرت سخت جمهوری اسلامی پاکستان) در بازیگری این کشور در منطقه و جهان اسلام برای ایران نیز دارای اهمیت بالایی است، برای سنجش قدرت نظامی یک کشور، کارشناسان بر شاخص‌هایی چون تعداد شناورهای رزمی (زیردریایی)، تعداد کارکنان نیروهای مسلح، کل هزینه‌های نظامی، هزینه‌های نظامی بصورت

درصدی از GDP، صادرات سلاح به میلیون دلار، سرانه ذخایر سلاح، سرانه بودجه نظامی و تعداد کلاهک‌های هسته‌ای و تعداد هواپیماهای جنگی اشاره کرده‌اند. در مجموع این موارد، عمدتاً سه شاخص زیر برای برآورد قدرت نظامی یک کشور لحاظ می‌شود:

#### ۴-۱- تعداد سلاح هسته‌ای

از حیث تعداد کلاهک‌های هسته‌ای، ارتش پاکستان در رده هفتم و بالاتر از رقیب سنتی خود هندوستان قرار گرفته است. در آینده‌ای نزدیک این اعداد برای آمریکا با (۷۷۰۰ کلاهک) و روسیه با (۸۵۰۰ کلاهک) محتمل است که روندی کاهشی و یا افزایشی داشته باشد، اما از آنجاکه ارتش پاکستان دارای برنامه هسته‌ای نامشخصی است محتمل است که میزان سلاح‌های هسته‌ای خود را برای تقابل احتمالی با هندوستان ارتقاء بخشد.

#### ۴-۲- میزان هزینه‌های نظامی ارتش پاکستان

با بررسی فهرست لیست کشورها براساس هزینه‌های اختصاص داده شده به حوزه نظامی که توسط موسسه بین‌المللی صلح استکهلم در سال ۲۰۱۸ مربوط به سال ۲۰۱۷ ارائه شده است و در آن آمریکا با ۷۹۶ میلیارد دلار کماکان رتبه اول را دارا است، ارتش پاکستان با یک پله صعود نسبت به دوره قبلی در رتبه ۵۱ و پس از ارتش اندونزی قرار گرفته است.

#### ۴-۳- تعداد جمعیت نظامی و سایر مولفه‌های قدرت نظامی یک کشور

براساس اطلاعات منتشر شده توسط سازمان سیا و کتابخانه کنگره آمریکا و برآورد آنها در سال ۲۰۲۱ میلادی، هم‌اکنون پاکستان از نظر توان نظامی در رده پانزدهم قدرت‌های نظامی جهان قرار دارد. براساس اطلاعات عنوان شده از سوی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و کنگره آمریکا، پاکستان که جمعیت آن ۲۲۰ میلیون نفر است، هم‌اکنون دارای ۶۱۷ هزار کارکنان فعال نظامی است و تعداد نیروهای ذخیره فعال این کشور ۵۱۵ هزار نفر است.

نیروی زمینی ارتش پاکستان دارای ۲۶۴۰ دستگاه تانک، ۴۶۲۰ دستگاه نفربر، ۱۰۸۶ عراده توپ کششی، ۵۹۵ عراده توپ خودکششی، ۲۰۰ سامانه پدافند موشکی، ۳۲۰۰ خمپاره‌انداز، ۳۴۰۰ سامانه ضدتانک، ۲۵۰۰ سامانه پدافند هوایی و ۱۱۵۰۰ وسیله نقلیه لجستیکی است. نیروی هوایی ارتش پاکستان نیز دارای ۱۴۱۴ فروند جنگنده و هواپیما، ۵۳۵ فروند بالگرد و ۱۴۸ فرودگاه عملیاتی است.

نیروی دریایی ارتش پاکستان نیز دارای یازده فروند کشتی، دو بندر، ۵ زیر دریایی، ۱۵ قایق نظامی گشت‌زنی، ۱۱ ناوچه، یک ناوشکن و یک قایق جنگی خشکی آبی است. نیروی دریایی پاکستان دارای ناو هواپیمابر نیست.

بودجه نظامی پاکستان در این سال شش میلیارد و ۴۱۰ دلار بوده است. ارتش پاکستان بواسطه داشتن سلاح هسته‌ای، جمعیت بالای نیروی نظامی آماده بکار، ارتباط به دریاهای آزاد و قدرت رزم در سطح خشکی و آسمان توانست در این سال امتیاز بالایی دریافت کند. اگر پاکستان بخواهد در زمینه رشد صنعتی و اقتصادی نیز هم‌راستا با رشد نظامی سال‌های اخیر دارای حرکتی پرشتاب باشد و در این عرصه نیز توسعه یافته و از جایگاه مهم و قابل توجهی در سطح منطقه و بویژه در برقراری توازن قوا با دشمن قدرتمند خود (هندوستان) برخوردار گردد، بطور قطع نیازمند برقراری روابطی مستحکم با کشورهای تولید کننده انرژی است. بنابراین با ملحوظ نظر قرار دادن نظریه وابستگی متقابل ناگزیر به برقراری روابطی برد-برد با همسایه انرژی مدار غربی خود یعنی جمهوری اسلامی ایران است.

با بررسی اسناد تاریخی مشخص می‌گردد، اسلام از طریق تجار مسلمان عرب و ایرانی وارد هندوستان که پاکستان نیز بخشی از آن بوده است گردیده (الهیاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۰). مسلمانان پاکستان از طریق افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی و همچنین تعالیم شهید محمد عبده و رشید رضا با جریان اصلاح‌طلبی و ۶۵ احیای تفکر دینی در مصر و هند آشنا شدند و نهضت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متنوعی را از اواخر قرن ۱۹ میلادی در برخورد با انحطاط داخلی و بیش از آن استعمار خارجی آغاز کردند.

در زمان انقلاب ۱۳۵۷ ایران، برخی ناظران و کارشناسان حوزه اسلامی پیش‌بینی می‌کردند که کشورهایی چون پاکستان می‌توانند دقیقاً ایران دیگری باشند. در عمل انقلاب اسلامی ایران و رویدادهای متعاقب آن، بازتابی که در آغاز پیش‌بینی می‌شد، نداشت. بطوریکه اگر صرفاً بیانیه‌های، رسمی حکومت‌های ایران و پاکستان را که درباره رفت‌وآمدهای دولتمردان انتشار می‌یافت مطالعه کرد به نظر می‌رسد که تقریباً چیزی بر اثر انقلاب تغییر نکرده است. اما این افراط معمولاً نگرانی‌های جدی مقامات اسلام‌آباد را از تأثیر رویدادهای ایران بر مردم کشورشان پنهان می‌کند. با این همه، اسلام‌آباد نمی‌خواست علناً به چشم منتقد پیروزی ظاهری اسلام بر امپریالیسم غرب و مشی غیرمذهبی نگریسته شود (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۲۴۳).

در ابتدا در پاکستان، انقلاب اسلامی هم ایدئولوژی و عقاید سیاسی اسلامی را برانگیخته و هم توانایی حکومت محلی را در توجیه نظارت و سرکوب جنبش‌های مخالفان اسلام‌گرا تقویت کرد. فعالان مسلمان این کشور همچون همگان خود به انقلاب ۱۳۵۷ متوسل شدند و تهران را واداشتند پاسخ توجهات و احترامات آنها را به آیت‌اله خمینی بپردازد. با این حال، در مدت‌زمان کوتاهی، فعالان در پاکستان سریعاً از آیت‌اله خمینی

فاصله گرفتند؛ زیرا نسبت به جهت‌گیری و زیاده‌روی‌های حکومت روحانی‌مدار ایران نگرانی داشتند و حکومت پاکستان نیز برای بی‌اعتبار ساختن هرگونه مخالف اسلامی به طرح اتهاماتی چون (خمینی سم) یا (اسلام رادیکال) می‌پرداخت. انقلاب ایران همچون دیگر موقعیت‌های اسلامی، اثر مهمی بر عناصر آگاه مذهبی داشت. این انقلاب، یک سلسله نیروهای دیگر را تقویت کرد که از احیا اسلام در این منطقه قوت می‌گرفتند. در همان حالی که زیاده‌روی‌های نسبت داده شده به رژیم جدید تهران و جنگ طولانی ایران و عراق جاذبه‌انگیزی اولیه را نسبت به تجربه ایران تضعیف کرد (اسپوزیتو، ۱۳۹۶: ۲۴۷). باتوجه به آنچه در بالا ذکر گردید، در مجموع می‌توان سه عامل عمده در پاکستان را مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در این کشور دانست:

۱- ایدئولوژی شیعی انقلاب اسلامی ایران، چون انقلاب اسلامی ایران در کشوری با اکثریت جمعیت شیعه مذهب شکل گرفت. از این‌رو اصول و ایدئولوژی حاکم در انقلاب اسلامی کاملاً براساس اصول، احکام و آموزه‌های مذهب شیعه تعریف شده بود، درحالی‌که از یکسو فقط حدود ۵ درصد از جمعیت مسلمانان پاکستان را شیعیان تشکیل می‌دادند. از سوی دیگر در میان همین حدود ۵ درصد نیز گرایش‌ها صوفیانه وارد شده بود بطوریکه خیلی از شیعیان پاکستان باتوجه به این گرایش‌های صوفی از حضور فعال در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خودداری می‌کردند. بر این اساس ایدئولوژی شیعی انقلاب اسلامی ایران مورد استقبال اکثریت جمعیت حنفی مذهب پاکستان قرار نگرفت.

۲- عدم وجود رهبران برجسته جهت‌ساماندهی گروه‌های متعرض در پاکستان؛ رهبری بسیج هماهنگ‌کننده نیروهای درگیر منازعه انقلابی است؛ زیرا بدون وجود رهبری، نیروهای درگیر در منازعه انقلابی به‌جای اینکه اعتراض و عمل سیاسی خود را متوجه حکومت مستقر کنند ممکن است، آن را متوجه یکدیگر کنند. از سوی دیگر، حرکت انقلابی یکسره جنبش توده‌ای نبوده بلکه ترکیبی از سازمان و جنبش توده‌ای است و رهبری عمده‌ترین عنصر سازمان‌دهنده بسیج محسوب می‌شود (احمدوند، ۱۳۹۶: ۱۴).

رهبران، اهداف جنبش را روشن می‌کنند، درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند؛ وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند؛ تصویری از جامعه‌ای برتر ترسیم می‌نمایند و هواداران خود را متقاعد می‌سازند که جنبش پیروز خواهد شد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۸۸). بنابراین، با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران، چه در همان دهه ابتدای انقلاب اسلامی ایران و چه در دهه‌های بعد، در پاکستان شاهد ظهور رهبری یا رهبرانی که دارای چهره کاریزماتیک چه از نظری مذهبی و سیاسی باشند که بتواند افراد و گروه‌های متأثر از انقلاب اسلامی ایران را در این کشور رهبری و سازمان‌دهی کند نبوده‌ایم و به دلیل عدم وجود همین رهبران فرصت و زمینه برای قدرت‌یابی نظامیان در این کشور فراهم شد.

## ۵- زمان پخش

برخی اندیشمندان بر این اعتقادند که بازتاب‌های انقلاب ایران و به تعبیر گراهام فولر (تأثیر رفلکسی انقلاب) تنها در نخستین سال‌های انقلاب بسیار گسترده و فزاینده بوده و پس از آن به تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. آنها در بررسی عوامل کاهش دهنده، تأثیرات در کنار افزایش مسافت، گذشت زمان را نیز عامل مهمی در کاهش تعداد پذیرندگان تلقی می‌کنند و معتقدند میزان پذیرش با افزایش زمان کاهش می‌یابد (جردن و راونتری، ۱۳۹۲: ۲۶). بعنوان نمونه (نیکی کدی) معتقد است تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی، برای بسیاری از جریانات اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه بعد از پیروزی آن است (Keddie, 2008: 119).

از دیدگاه این نوشتار نگاه خطی در بازنمایی اثرات پدیده‌هایی همچون انقلاب اسلامی و ساده‌سازی آن در تحلیل‌های این‌چنینی، ضمن خدشه در درک و دریافت از واقعیات، پیش‌بینی نتایج و آثار را در عمل، دچار ضعف‌هایی می‌کند. این بازتاب‌ها در زمان‌های متفاوت، شرایط متغیر ایران، کشور مقصد، منطقه و نظام بین‌الملل بگونه‌ای سیال دچار قبض و بسط می‌شود که بایستی در تجزیه و تحلیل این موضوع لحاظ شود. مطالعه موردی کشور پاکستان بازتاب انقلاب اسلامی در دوره‌های زمانی، از وقوع انقلاب تا دو دهه اول از این واقعه تجربه‌های تأثیرگذار متفاوتی برجای گذاشته است. هرچند این دوره نیز به بازه‌های زمانی جزی‌تری را ۶۷ در برمی‌گیرد. دهه اول انقلاب از پیروزی انقلاب تا حمله عراق به ایران (از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹) تأثیرپذیری احزاب و گروه‌ها و فعالان سیاسی اسلامی از انقلاب در داخل کشور پاکستان چشم‌گیر و رو به رشد بود اما با حمله عراق به ایران، ترور شخصیت‌های سیاسی توسط گروه‌های تندرو اسلامی در اوایل انقلاب در ایران و محدودیت‌ها و فشارهای دولت وقت پاکستان بر این گروه‌های اسلامی در خاک خود اعمال نمود و علاوه بر این فشارهای بین‌المللی بر انقلاب ایران، به تدریج از میزان این تأثیرپذیری کاهش یافته است. در دهه دوم انقلاب که آتش‌بس با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی دو طرف و پایان جنگ در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ و با شروع دوران رهبری آیت‌اله خامنه‌ای و ریاست جمهوری آیت‌اله هاشمی رفسنجانی، دوران تازه‌ای از تلاش‌های ایران برای رهایی از انزوای بین‌المللی آغاز شد و به این منظور، برنامه‌هایی که با هدف صدور طراحی می‌شد، مورد کنترل بیشتری قرار گرفته. با آغاز بکار هاشمی رفسنجانی در ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ و اتخاذ سیاست خارجی تنش‌زدایی و همکاری مبتنی بر توسعه و نوسازی اقتصادی در عرصه روابط خارجی چه در سطح منطقه و فرامنطقه گرفتند. از این‌رو هاشمی رفسنجانی در کنار سیاست تنش‌زدایی از شعارهای ایدئولوژیک و صدور انقلاب، در ابتدای انقلاب نیز فاصله گرفت. علاوه بر اینها اجرای اولین برنامه پنج‌ساله توسعه ایجاب می‌کرد، دولت سیاست باز اقتصادی را برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی در جهت

سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را در پیش بگیرد. بنابراین از این تاریخ به بعد شاهد شکل‌گیری روابط خارجی ایران با طیف گسترده‌ای از کشورهای منطقه و بویژه همسایگان مسلمان پیرامونی همچون جمهوری اسلامی پاکستان بوده و این روابط بیشتر حول محور جذب سرمایه و توسعه اقتصادی با این کشورها بوده است. در دوره‌های زمامداری چهار رئیس‌جمهوری بعدی ایران (سید محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژادی، حسن روحانی و سید ابراهیم رئیسی) روابط میان ایران و پاکستان، از دو عامل اولویت سیاست بر اقتصاد و نوع کنشگری قدرت‌های بزرگ تأثیر پذیرفته است. بر این اساس مناسبات میان ایران و پاکستان در این دوران دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است. چنانکه در مقطع زمانی بین دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و همچنین درباره زمانی دوره ریاست جمهوری حسن روحانی با افزایش ناگهانی مناسبات و مراودات اقتصادی بین دو کشور روبرو بوده‌ایم. در واقع این امر نتیجه تلاش‌های ایران برای برقراری پیوندهای محکم اقتصادی با همسایگان در جهت فروکاستن فشارهای غرب و ناپایدار بودن آن، نتیجه فشارهای غرب برای تحریم ایران از یکسو و اولویت چین در سیاست نگاه به شرق ایران از سوی دیگر است. از این‌رو در این دوران، تحولات در روابط با دنیای غرب از یکسو و نوع مناسبات با چین، تعیین کننده نوع روابط ایران و کشورهای منطقه از جمله کشور پاکستان است (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۸).

## ۶- موضوع پخش

منظور از موضوع پخش مجموعه رفتارهایی است که نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد دیگر مسلمانان آن را بپذیرند و مورد قبول اذهان عمومی واقع شود. بنابراین ارزش‌های انقلاب اسلامی، مجموعه پنداشت‌هایی است که موردپسند و مقبول نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به هر تقدیر اسلام سیاسی و قدرت‌ایدئولوژی آن پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان ارائه کرد. انقلاب ایران، تقویت شگفت‌انگیز عقاید ضدغربی و محافظه‌کارانه را در پی داشت (فلاح‌زاده و منیری، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

بر این اساس می‌توان مصادیقی از جلوه‌های تأثیرپذیری اجتماعی پاکستان از انقلاب اسلامی را در رفتارهای مذهبی از جمله گرایش به حجاب اسلامی در میان زنان و افزایش اقبال عمومی نسبت به فرایض دینی مشاهده کرد (اسپوزیتو، ۱۳۹۷: ۲۷۸). اما این تحركات اجتماعی فکری و فرهنگی بیشتر در سال‌های اولیه انقلاب نمود بیشتری داشت و با گذشته یک دهه از عمر انقلاب اسلامی از شدت این تحركات کاسته شد. و روابط دو کشور در سطح دولت‌ها و بیشتر در حوزه اقتصادی و تجارت پیگیری گردید. در واقع در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه ایران به پاکستان همانند دیگر مناطق، با ایده ترویج ایده‌های انقلابی همراه بود، اما به مرور منطق اقتصادی جایگاه خود را در تعیین نوع مناسبات بین دو کشور به دست آورد. انقلاب اسلامی ایران، در دوران اوج احیای جنبش‌های مذهبی در کشورهای دارای جمعیت گسترده مسلمان منطقه



جنوب شرق آسیا به خصوص اندونزی و مالزی رخ داد و از این رو، خود بعنوان یک عامل الهام بخش برای اسلام‌گرایی رو به ظهور عمل کرد. با این حال دو عامل از میزان اثرگذاری انقلاب ایران بر تحولات سایر کشورهای اسلامی از جمله پاکستان کاسته و به بازگشت عامل تجارت بعنوان صورت تعیین کننده مناسبات ایران و پاکستان کمک کرد: نخست، توانایی دولت‌های منطقه از جمله کشور پاکستان در کنترل جریان‌های اسلام‌گرا در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دوم سرمایه‌گذاری‌های عربستان سعودی برای ترویج اسلام سلفی در کشورهای منطقه بویژه پاکستان (Abuza, 2017: 18).

## ۷- شیوه‌های صدور پخش

### ۷-۱- پخش سرایتی

بطور طبیعی محیط پخش، گاه پذیرا (دارای تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی) و گاه ناپذیر است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی و عوامل ناپذیر موجب تأثیرپذیر نبودن از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شوند (رفیع پور، ۱۳۹۶: ۸۸). از طرفی نباید وضعیت جغرافیایی این دولت‌ها و دوری و نزدیکی آن‌ها با ایران انقلابی فراموش کرد، بدین معنا که هرچقدر از نظر جغرافیایی به ایران نزدیک‌تر بودند و خطر صدور انقلاب و نفوذ آن را در میان مردم خود بیشتر احساس می‌کردند،<sup>۶۹</sup> مواضع سخت‌تری را اتخاذ می‌نمودند.

البته میزان تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی بر همه جوامع اسلامی یکسان و یکنواخت نبود بلکه با توجه به قربات‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی درجه تأثیر آن متفاوت بوده است و از آنجاکه این انقلاب بر پایه تعالیم دین اسلام و مکتب اهل بیت به پیروزی رسید زمینه تأثیرگذاری آن با توجه به همین امر متفاوت بود. این انقلاب بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت بودند یعنی شیعیان جهان تأثیر فوق‌العاده و شگفتی داشت و می‌توان ادعا کرد که جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه و پیرامون به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل نمود.

دولت اسلامی پاکستان نیز علیرغم اکثریت جمعیت مسلمان اهل تسنن، ایدئولوژی سکولار دارد، و در بین مقامات دولتی، نوعی بدبینی نسبت به مسلمانان وجود دارد. از این رو است که دولت از مدت‌ها قبل، به دنبال سیاست‌زدایی از اسلام بوده است و از تهدید گرایش‌های اسلامی نام می‌برد و بعضاً از آن بنام (اسلام‌هراسی) هم تعبیر می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶: ۵۱۵). بنابراین با توجه به اینکه یکی از پیش شرط‌های پخش سرایتی نزدیکی جغرافیایی و اشتراکات مذهبی و فرهنگی بین مبدأ و مقصد پخش می‌باشد و در رابطه با پاکستان و ایران هم به دلیل این نزدیکی جغرافیایی و قرار گرفتن دو کشور در یک منطقه دارای وجوه مشترکی بوده

اما به دلیل عدم اشتراکات مذهبی و فرهنگی بین این دو، چون ایران دارای مذهب شیعه دوازده امامی و پاکستان دارای مذهب اهل تسنن (مذهب حنفی) می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت پخش سرایتی نقشی در بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشور پاکستان نداشته است.

### ۷-۲- پخش جابه‌جایی

در پخش جابه‌جایی، افراد و یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، بطور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کنند و به این طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابند (روانتری، ۱۳۹۲: ۱۶۲). هرچند با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، الگوی پخش جابه‌جایی تا حدودی کمرنگ شده، ولی کماکان پخش جابه‌جایی می‌تواند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و علاوه بر روش‌های قبلی، از امکانات ارتباطی جدید نیز در سطح وسیع استفاده نماید.

دولت پاکستان هم از ابتدای انقلاب فعالیت‌هایی را در جهت محدود کردن روابط نامطلوب با ایران انجام داد و از سفر شهروندان‌شان به ایران، چه بعنوان دیدارهای خصوصی و چه برای دانشجویان عازم فراگیری علوم اسلامی مخالفت می‌کرد. در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب این سیاست بطور غیررسمی اجرا می‌شد. گزارش‌ها حاکی از آن است؛ شهروندانی که از ایران بازمی‌گشتند، از نظر مسئولین مظنون تلقی می‌شدند. با این حال از اواسط دهه ۶۰ دولت پاکستان رسماً شهروندان را از تحصیل درسی در تعدادی از کشورها منع کرد. ایران نیز در این لیست قرار داشت (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۰۹/۰۶).

اتهاماتی نیز مطرح بود مبنی بر اینکه مسلمانان تندرو در این کشور نیز درصدد تشکیل دولتی اسلامی طبق الگوی ایران هستند. در یک مورد معروف سردبیر مجله جوانان مسلمان، به اتهام براندازی به سیزده سال حبس محکوم شد. از جمله اتهامات وی انتشار مقاله‌ای در این مجله با عنوان «آیت‌اله خمینی» بود. محاکمه کنندگان مدعی بودند که این مقاله بگونه‌ای تحریک‌آمیز توصیه کرده: توان مشابه انقلاب اسلامی در جهت نابودی حکومت‌های غیرمبتنی بر اسلام بکار گرفته و از مسلمانان سراسر جهان خواسته شود که انقلاب اسلامی را به ثمر بنشانند (روزنامه رسالت، ۱۳۹۰/۰۹/۰۶).

### ۷-۳- پخش سلسله مراتبی

در پخش سلسله مراتبی، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابند. ایده‌ها از یک فرد مهم به فرد دیگر یا از مرکز شهری به مرکز دیگری گسترش می‌یابد؛ بنابراین نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان (انتشار ریزشی) نیز گفته‌اند (برزگر، ۱۳۹۶: ۳۷). بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی بطور طبیعی و یا ارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه واقع شده‌اند. بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله مراتبی است،

زیرا با پذیرش نوآوری از سوی افراد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود. در مورد پخش عقاید انقلابی در پاکستان به شیوه سلسله مراتبی، می‌توان گفت هیچ شخصیت برجسته سیاسی و اجتماعی از ایده‌های انقلابی ایران الگوبرداری نکرده است. البته این بیشتر به دلیل فشارها و محدودیت‌هایی است که دولت وقت پاکستان با هرگونه تحریک انقلابی و سیاسی ناشی از انقلاب اسلامی اعمال می‌کرده است.

### نتیجه‌گیری

نویسنده این مقاله به دنبال بررسی چرایی بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران بر کشور اسلامی پاکستان براساس نظریه پخش تورستن هاگراسترنده بوده‌اند. با بهره‌گیری از اصول و مؤلفه‌های عمده و مهم این نظریه یعنی مبدأ، مقصد، موضوع، زمان و شیوه‌های صدور پخش به این سوال پاسخ داده‌اند. بنابراین مقاله حاضر، به دو بخش کلیدی تقسیم می‌گردد، در بخش نخست ابتدا در قالب چارچوب نظری، نظریه پخش هاگراسترنده به همراه اصول آن توضیح داده شد. در بخش دوم به دنبال اثبات فرضیه پژوهش یعنی، وجود مشکلاتی در مبدأ و مقصد پخش یعنی ایران و پاکستان مانع گسترش افکار و اندیشه‌های انقلاب شده است، براساس پنج مؤلفه نظریه هاگراسترنده (مبدأ، مقصد، موضوع، زمان و شیوه‌های صدور پخش) بوده‌ایم. در ابتدا عنصر مبدأ پخش یعنی ایران مورد بررسی قرار گرفت، در این قسمت بازه زمانی پیروی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تاکنون یعنی دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی مورد مطالعه قرار گرفته است. در نتیجه تغییر دولت‌ها در ایران سیاست‌های ایران غالب شده‌اند، هرکدام از این گفتمان‌ها دیدگاه متفاوتی نسبت به جریان صدور انقلاب داشته‌اند. بطوریکه بخشی از این گفتمان‌ها به دنبال صدور انقلاب در قالب الگوهای سیاسی و فرهنگی بوده‌اند و برخی دیگر به دنبال الگوی توسعه اقتصادی و افزایش مرادوات تجاری با کشورهای دیگر از جمله پاکستان بوده‌اند. بنابراین همین گفتمان یکی از عواملی است که در ایران مانع بازتاب انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی پاکستان شده است. در قسمت بعد عنصر مقصد پخش یعنی کشور پاکستان مورد تحلیل قرار گرفت، در مجموع عوامل وجود ایدئولوژی شیعی در انقلاب اسلامی ایران، عدم وجود رهبران برجسته و به قدرت رسیدن نظامیان در این کشور، از موانع بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در این کشور دانسته شده است. در قسمت بعد به عنصر سوم یعنی زمان پخش پرداخته شده است. از این‌رو، تنها در نخستین دهه پیروزی انقلاب اسلامی ایران بازتاب آن در کشور جمهوری اسلامی پاکستان تا حدودی پررنگ بوده است (در جریان سفر سه روزه آیت‌اله خامنه‌ای به پاکستان و نمود آن که استقبال به یادماندنی و تاریخی مردم پاکستان از وی بوده این بازتاب تجلی می‌یابد) و پس از آن به تدریج، با گذشت زمان شعاع این اثرات محدودتر شده است. تا جائیکه دیگر سیاستمداران کشور به‌جای صدور انقلاب به همسایه شرقی، در پی توسعه روابط

اقتصادی با این کشور بوده‌اند. در قسمت بعدی عنصر موضوع پخش مورد بررسی قرار گرفت و براساس مطالعات صورت گرفته، می‌توان مصادیقی از جلوه‌های تأثیرپذیری اجتماعی ملت پاکستان از انقلاب اسلامی را در رفتارهای مذهبی آنان از جمله گرایش به حجاب اسلامی در میان بانوان و افزایش اقبال عمومی نسبت به فرایض دینی مشاهده کرد. اما این تحركات اجتماعی، فکری و فرهنگی، بیشتر در سال‌های اولیه انقلاب نمود بیشتری داشت و با گذشت یک دهه از عمر انقلاب اسلامی از شدت این تحركات کاسته شد و روابط دو کشور در سطح دولت‌ها و بیشتر در حوزه اقتصادی و تجارت پیگیری شد. در نتیجه این خود یکی از علل بازتاب محدود انقلاب اسلامی ایران در جمهوری اسلامی پاکستان بوده است. در پایان نیز به آخرین مؤلفه نظریه پخش یعنی شیوه‌های صدور پخش بعنوان آخرین عاملی که مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در این کشور شده، که به دلیل عدم اشتراکات مذهبی بین این دو کشور، چون ایران دارای مذهب شیعه دوازده امامی و پاکستان دارای مذهب حنفی می‌باشد و همچنین عدم الگوبرداری شخصیت‌های برجسته سیاسی و اجتماعی پاکستانی از ایده‌های انقلابی ایران را دیگر علل بازتاب محدود انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی پاکستان می‌دانند.

## فهرست منابع

۷۲

### فارسی:

- ۱- ابراهیم‌زاده، عیسی و بذرافشان (۱۳۹۱)، «مدل پخش فضایی هاگراستراند و بخشایش فضای زعفران در خراسان»، **مجله جغرافیا و توسعه**، ش ۵۷-۷۵.
- ۲- ابوطالبی، علی (۱۳۹۴)، «حقوق قومی، اقلیت‌ها و همگرایی»، ترجمه: علی کریمی مله، **فصلنامه مطالعات ملی**، س ۱، ش ۲.
- ۳- احمدوند، شجاع (۱۳۸۸)، «بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ساندنیستی نیکاراگوئه»، **مجله علوم سیاسی**، س ۴، ش ۴.
- ۴- امیری، عبدالله (۱۳۹۴)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر علوم نوین.
- ۵- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۵)، **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۶- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۴)، **توسعه و تضاد**، چ ۴، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- شکویی، حسین (۱۳۹۰)، **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، چ ۵، تهران: انتشارات گیتاشناسی.
- ۹- محمدی، منوچهر (۱۳۹۲)، **بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

لاتین:

- 10- Abuza, Z. (2007). Political Islam and violence in Indonesia. London and New York: Routledge.
- 11- Bakhshayesh ARDESTSNI, A (2000). The Principles of the Islamic Republic of Iran`S Foreign Policy. Tehran: Ava-Ye-Noor Publications.
- 12- Hagerstrand, T (1968). Innovation Diffusion as a Spatial Process University of Chicago Press.
- 13- Hunter, S (2010). Iran's foreign policy in the post-Soviet Era. California: Praeger.
- Indonesia-Iran foreign relations. IranTracker. 2010a. [www.irantracker.org/foreign-relations/indonesia-iran-foreign-relations](http://www.irantracker.org/foreign-relations/indonesia-iran-foreign-relations) (accessed 12 August 2015).
- 14- Keddi, Nikki (1995). Iran and the Muslem Word: Resistance and Revolution, London, Macmillan.
- 15- Porter, Donald (2002). Managing Politics and Islam in Indonesia, London and New York: Routledge Curzon.
- 16- Rezaee, A (2009). Analysis of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy in Light of TheInternational Relations Theories, Rahbord-E-Yas 17: 260–288.
- 17- Smock, David (2005). Applying Islamic Principles in the Twenty-first Century.

